



اندیشه



اشاره

در قسمت نخست این مقاله، تعریف خاورشناسی و پیشینه‌ی آن به اجمال مطرح شد و به اهداف و انگیزه‌های خاورشناسان از جمله انگیزه‌ی تبشیری، انگیزه‌ی استعماری و انگیزه‌ی تجاری اشاره گردید. دنباله‌ی بحث را در این شماره دنبال می‌کنیم.

قرآن اهتمام خاص نمودند و آثار بسیاری در پژوهش‌های قرآنی عرضه کردند که باید آن را قرآن‌پژوهی مستشرقین نامید» [دانش‌نامه‌ی قرآن و قرآن‌پژوهی، ج ۲: ۲۰۴۷].

کتاب‌خانه‌ی شیعه‌شناسی در شهر کلن آلمان نمادی از تعامل مثبت خاورشناسی علمی است. ریچارد بل، مونتگمری وات، رژی بلاشر، جان برتون، ویلهلم رودلف، آرتور جفری و نولدکه از مستشرقانی هستند که با داشتن انگیزه‌های علمی به پژوهش درباره‌ی قرآن رو آوردند و آثار ارزشمندی

از اوایل قرن بیستم، دانشمندان و متفکرانی در غرب پیدا شدند که برای آن‌ها، شناخت مردمان مشرق‌زمین، و آداب و رسوم و عقاید و تفکراتشان، به‌طور خاص اهمیت پیدا کرد. انگیزه‌های قبلی به تدریج کم‌رنگ‌تر شدند و آنان به تحقیق و تفحص در احوال مشرق‌زمینیان، علی‌الخصوص جهان اسلام پرداختند. به گفته‌ی برخی از محققان: «قرآن اساسی‌ترین و مهم‌ترین نصوص اسلام و اسلام یکی از بزرگ‌ترین سنت‌های شرقی است. لذا مستشرقان از همان آغاز کار، به بررسی متن

از خود به یادگار گذاشتند. اگرچه بعضی در مورد انگیزه‌ی این افراد تردید دارند. در عین حال، آثار آن‌ها جای نقد بسیار دارد و اشکالات اعتقادی فراوانی بر آن‌ها وارد است. مستشرقان درباره‌ی قرآن مطالعات وسیعی انجام داده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- تألیف کتاب‌های موضوعی درباره‌ی قرآن و به ویژه تاریخ قرآن^۲ و علوم قرآنی.
- تصحیح مهم‌ترین متون اسلامی - قرآنی، مانند «المصاحف» ابن ابی داوود سجستانی، توسط آرتور جفری.
- تألیف دایرة‌المعارف‌های بزرگ درباره‌ی اسلام، قرآن و نگارش مدخل‌های اختصاصی ویژه‌ی قرآن^۳
- گردآوری معجم‌های حدیثی و قرآنی^۴.
- ✓ ترجمه‌ی قرآن به زبان‌های زنده‌ی اروپایی و زبان‌های دیگر^۵.
- ✓ تألیف دایرة‌المعارف‌های خاص پیرامون قرآن^۶ [درامدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب‌شناسی آن: ۴۷ و ۴۸؛ پژوهش دینی (۹)، فصل‌نامه‌ی علمی - پژوهشی].

البته باید دانست، هرچه به زمان حال نزدیک می‌شویم، بی‌طرفی در

بستر تاریخی استشرق سابقه‌ای بس دیرینه دارد. اسلام از آغاز ظهور با مسیحیت و یهودیت برخورد کردها و تماس‌های فراوان داشته است. «شاید قدیمی‌ترین آن‌ها، مباحله‌ی پیامبر (ص) با مسیحیان نجران باشد و آیه‌ی مباحله در رابطه با آنان نازل شد»

میان دانشمندان غربی بیشتر می‌شود.

«اگرچه پس از رنسانس، ارتباط دانشمندان غربی با اسلام و قرآن تا حدودی معتدل شد، اما باز هم اساس و مبنای آگاهی و شناخت اروپا از قرآن به طور چشم‌گیری از اندیشه‌های افراطی ضد اسلامی روحانیون قرون وسطا متأثر بود. از اوایل قرن بیستم، یعنی در عصر حاکمیت اندیشه‌های پوزیتیویستی، دانشمندان غربی کارهای ارزنده‌ای در جهت قرآن پژوهی انجام داده‌اند. ولی چنان‌که ویژگی مطالعات پوزیتیویستی است، بیشتر در نقد و نفی اصالت قرآن کوشیدند تا شناخت بی‌طرفانه‌ی آن. با دگرگونی‌ها و تحولاتی که در جهان علم و فلسفه روی داد و منطق پوزیتیویست‌ها را متحول کرد، شاهد آن بوده‌ایم که اندیشه‌های پست مدرن روند پژوهش‌های قرآنی خاورشناسان را تغییر داده است. در این میان دانشمندانی مانند یونیل^۷ و موتسکی^۸، با ابداع روش‌های جدید پژوهشی باب تازه‌ای در موضوع جمع قرآن گشوده‌اند» [خاورشناسی و رویکردهای نوین: ۵۳ و ۵۴].

البته باید اذعان کرد که در گذشته و حال، همواره برخی خاورشناسان منصف بوده‌اند. نمونه‌ای از خاورشناسان منصف، ادوارد سعید، استاد زبان‌های شرقی دانشگاه کلمبیا در نیویورک است. کتاب «شرق‌شناسی» او به نُه زبان ترجمه شده است. او به رغم این‌که مسیحی و شهروند

آمریکاست، یکی از مدافعان شرق در مقابل غرب، بلکه یکی از مدافعان اسلام به‌شمار می‌رود. او هم اعلام کرد مسیحی است و هم با صراحت گفت: خاورشناسان در طول تاریخ، اسلام را به درستی معرفی نکرده‌اند و مفاهیم آن را وارونه جلوه داده‌اند.

نمونه‌ی دیگر یوهان رایسکه است. یک خاورشناس آلمانی و مسیحی بود که در مراکز شرق‌شناسی و دانشگاه‌های کشورش کار می‌کرد. رایسکه به نقد بسیاری از مطالبی پرداخت که بر خلاف حقیقت در مورد پیامبر و قرآن مطرح شده بود. یک مستشرق آلمانی دیگر به نام یوهان فوک که کتابی به نام «تاریخ حرکت الاستشراق» دارد، درباره‌ی رایسکه می‌گوید: «به نظر من رایسکه شهید ادبیات عرب شد. او سپس به شرح زندگی رایسکه می‌پردازد که چگونه با مقام علمی بالایی که داشت، به دلیل دفاع از اسلام، از طرف دانشگاه‌های آلمان ممنوع‌التدریس شد. او را از دانشگاه اخراج کردند و پس از چندی بر اثر فقر و بیماری درگذشت. او در حقیقت شهید راه اسلام شد.» [جدیدترین آرای مستشرقان: ۱۷۲-۱۷۱].

نمونه‌ی دیگر، ادواردو انیلی است. «ادواردو از یک خانواده‌ی ثروتمند ایتالیایی بود که دکترای شرق‌شناسی گرفت، شیعه شد و نام مهدی بر خود نهاد. ولی چون در دفاع از اسلام و تشیع کار می‌کرد، او را شهید کردند [پیشین]. او مکرر می‌گفت: منتظر روزی است که صهیونیست‌ها او را شهید کنند».

پیشینه‌ی خاورشناسی

بستر تاریخی استشرق سابقه‌ای بس دیرینه دارد. اسلام از آغاز ظهور با مسیحیت و یهودیت برخوردها و تماس‌های فراوان داشته است. «شاید قدیمی‌ترین آن‌ها، مباحله‌ی پیامبر (ص) با مسیحیان نجران باشد و آیه‌ی مباحله در رابطه با آنان نازل شد» [همان، ص ۱۶۷]. دانشمندان عیسوی دسته‌دسته و مسیحیان شام و مصر مسلمان شدند. حتی کشیشانی چون یوحنا ی حلقدون^۹، راهب سینا، به اسلام گرویدند و روی هم کیشان خود شمشیر کشید. در نتیجه کلیسا که در آن زمان زعامت اروپا را به دست داشت، از هیچ تلاشی برای شکست اسلام کوتاهی نکرد و نمونه‌های آن در تاریخ فراوان است. از جمله‌ی آنان یوحنا نیقی^۹ بود که در سال ۶۹۶ میلادی ریاست دیر را بر عهده داشت و تلاش‌های فراوانی در این زمینه کرد. نمونه‌ی دیگر یوحنا دمشقی (۷۴۹-۶۷۵م) بود که در قرن دوم هجری به دربار بنی امیه راه یافت و اسلام‌شناسی را آغاز کرد. او دو کتاب بر ضد اسلام به نام‌های «مناظره با مسلمانان» و «راه‌های گفت‌گو و جدل با مسلمانان» را نوشت. این دو کتاب در حقیقت حاصل اسلام‌شناسی او بودند. «یوحنا دمشقی اسلام و بت‌پرستی را در هم ادغام کرد و ظهور اسلام را علامتی از علائم دجال شمرد» [تاریخ قرآن رامیار: ۶۵۳].

«شاید بتوان گفت، دوره‌ی استشرق تبشیری از زمان یوحنا دمشقی شروع شد و بعد از او پتروس عالی قدر، یا به قول عرب‌ها، المبجل المکرم به عنوان اولین مترجم قرآن به زبان لاتین، شرق‌شناسی تبشیری را ادامه داد. البته این ترجمه تا چهار قرن بعد به دستور متولیان کلیسا اجازه‌ی انتشار

و تکثیر پیدا نکرد و در کلیسا صرفاً برای نقد اسلام از آن استفاده شد. تا این که در قرن شانزدهم به چاپ رسید. بیشتر مستشرقان تا قبل از قرن شانزدهم تبشیری بودند» [جدیدترین آرای مستشرقان پیرامون قرآن: ۱۷۲-۱۷۱].

پتروس که در قرن دوازدهم میلادی این ترجمه را انجام داد، در مورد هدف خود از این ترجمه چنین توضیح می‌دهد: با این ترجمه حداقل علمای مسیحی می‌توانند با کشف نقاط ضعف قرآن، ایمان مسیحیان را در برابر تبلیغ و دعوت مسلمانان واکسینه کنند، تا جاذبه‌های ناچیز قرآن عقیده‌ی آنان را تغییر ندهد» [پیشین].

سال‌ها بعد از او (۱۶۹۲-۱۶۵۲)، ابراهام هنکلمان، راهب هامبورگی، متن قرآن را ترجمه کرد. «کار او مورد اعتراض هم‌سلکانش قرار گرفت و خشم آنان را برانگیخت. او در توجیه کارش گفت: نشر این کتاب یک حرکتی در راستای کنکاش در زبان عربی است و اشکالات قرآن را این طور می‌توان عرضه کرد» [تاریخ حرکت‌الاستشراق: ۹۸].

این نحوه‌ی مقابله با اسلام ادامه داشت و گاه ضعیف و گاه شدید می‌شد. در طول این دوران، مبلغانی از طرف کلیسا به منظور جذب مردم به کلیسای مسیحیت به شرق می‌آمدند و گزارش‌هایی جالب از دنیای مسلمانان و اوضاع شهرها و پیشرفت‌های آن‌ها برای پاپ می‌فرستادند و او را متحیر و متعجب می‌کردند. گاهی هم همین مبلغان مسیحی در اثر برخورد و تماس با مسلمین خود مسلمان می‌شدند و این موضوع خود باعث خشم کلیسا می‌شد و عکس‌العمل‌های تند ایجاد می‌کرد.

«حدود ۳۰ سال بعد، قرآن با ترجمه‌ی لاتین توسط ماراتچی با پیشگفتار و پاورقی‌هایی ضداسلامی منتشر شد. او هم به تبعیت از پیشکسوتان خود کارش را این چنین معرفی کرد: کار من دفاع از آیین کاتولیک بر ضد اسلام است» [پیشین].

«اولین ترجمه‌ی قرآن به زبان ایتالیایی را در شهر بال سوئیس اندره آریوانه انجام داد که چهار سال بعد (۱۵۴۷) در شهر ونیز منتشر شد. در آلمان، واعظی از کلیسا به نام شوایگر، آن را به نام قرآن ترکان به آلمان ترجمه کرد. قرآن به زبان فرانسه را در سال ۱۶۴۷ م به نام قرآن محمد، اندره درویه منتشر کرد که ۲۰ بار تجدید چاپ شد. آمار ترجمه‌های قرآن توسط خاورشناسان به زبان‌های گوناگون در کتاب‌های مربوط درج گردیده است» [الاستشراق و التاریخ الاسلامیه: ۲۰۰].

مراحل خاورشناسی



درباره‌ی مراحل خاورشناسی، دانشمندان نظرات مختلفی داده‌اند. «گروهی آغاز آن را در قرن ششم قبل از میلاد در کشاکش جنگ‌های ایران و یونان می‌دانند» [نقدالخطاب الاستشراقی، ج ۱: ۲۸]. و اولین مستشرق را هرودت، مورخ آن دوران می‌دانند و «گروهی دیگر اسکندر مقدونی، پادشاه یونان را که در قرن چهارم قبل از میلاد به خاطر کشورگشایی، به اران و کلیه‌ی سرزمین‌های شرق حمله کرده بود، آغازگر استشراق می‌دانند» [شرق‌شناسی: ۱۱۲].

جمعی دیگر از دانشمندان، ظهور اسلام را نقطه‌ی شروع می‌شمردند [الاستشراق و التاریخ الاسلامی ص ۵۲]. گاهی از پطرس، اولین مترجم

قرآن که کشیش کلیسای کلونی بود، به عنوان اولین مستشرق نام برده می‌شود [فرهنگ کامل خاورشناسان: ۸۵]. فتح اندلس و جنگ‌های صلیبی را نیز گروهی اولین مرحله‌ی شروع خاورشناسی می‌دانند [نقدالخطاب الاستشراقی: ۴۴] و دانشمندان آن را مأخذ قرار می‌دهند. بر این اساس استشراق دارای چهار مرحله است:

مرحله‌ی اول خاورشناسی

گوستاولوبین می‌نویسد: «پس از فتح اندلس به دست مسلمانان، شکوفایی حیات علمی در آن دیار آغاز می‌شود؛ یعنی زمانی که اروپاییان می‌بینند مسلمانان از نظر علمی به درجه‌ی تکاملی و بالایی رسیده‌اند و متوجه می‌شوند که از نظر علمی با مسلمین تفاوت‌های زیربنایی دارند، این دوره پس از فتح اندلس و جزایر مدیترانه و جنوب ایتالیا آغاز می‌شود و با اتمام جنگ‌های صلیبی پایان می‌پذیرد» [تمدن اسلام و عرب: ۱۶۶؛ تاریخ تمدن غرب و مبانی آن در شرق: ۳۰۸].

یکی از قرآن‌پژوهان معتقد است: «این دوره از فتح اندلس شروع شد و تا پایان جنگ‌های صلیبی ادامه داشت. در این جنگ‌ها فرصتی پیش آمد که مسیحیان با مسلمانان آمیخته شوند. در این دوره، به جای این که

گاهی از پطرس، اولین مترجم قرآن که کشیش کلیسای کلونی بود، به عنوان اولین مستشرق نام برده می‌شود [فرهنگ کامل خاورشناسان: ۸۵]. فتح اندلس و جنگ‌های صلیبی را نیز گروهی اولین مرحله‌ی شروع خاورشناسی می‌دانند [نقدالخطاب الاستشراقی: ۴۴] و دانشمندان آن را مأخذ قرار می‌دهند

مسلمانان فعال‌تر شوند، مسیحیان فعال‌تر شدند. انگیزه‌ی تبلیغ دین مسیحی در این دوره هم کاملاً روشن است به نحوی که مقدمه‌ی ترجمه‌ی قرآن در آن دوره با عنوان The Quran Interpreted متذکر می‌شود که در قرون ۱۴ و ۱۵، کتابی که مسلمانان به نام قرآن داشتند، نزد مسیحیان به نام کتاب بربرها شناخته می‌شد؛ یعنی کتاب افرادی فرهنگ و وحشی بود» [نشست قرآن‌پژوهی در غرب: ۳۲].

یکی از نویسندگان تاریخ‌نگار می‌نویسد: «قلمرو اسلام در آغاز جنگ‌های صلیبی، در آسیا از دریای سرخ تا سرحدات چین، در آفریقا از بستر رود نیل تا اقیانوس اطلس، در اروپا از تنگه‌ی جبل طارق تا دره‌ی گارول و جزایر مدیترانه و جنوب ایتالیا بود.» [المستشرقون والاسلام: ۱۲] یکی از نویسندگان اسلامی به نام محمد قطب، به نقل از لیوبولد فایس در کتابش می‌نویسد: «فعالیت خاورشناسان مکمل اهداف نهایی حمله‌ها و جنگ‌های صلیبی بود، زیرا جنگ‌ها فقط ممکن است جای‌گزین قدرت کفر به جای حکومت اسلامی شود، اما طرح‌های فرهنگی خاورشناسان اندیشه‌های اسلامی را از فکر مسلمانان می‌زداید و فرهنگ و ارزش‌های اسلامی را جای‌گزین آن می‌کند» [جدیدترین آرای مستشرقان پیرامون قرآن: ۱۶۰].

باید توجه داشت که علمای یهود هم از دیرباز در کار استشراف فعال بودند و جمعی از آنان در قرون وسطا در علوم و فنون گوناگون تسلط پیدا کردند و بعد از خروج مسلمانان از آندلس به بسط هنر و علم در آن جا کوشیدند

مرحله‌ی دوم خاورشناسی

مرحله‌ی دوم را محققین از بعد از جنگ‌های صلیبی می‌دانند. «پس از جنگ‌های صلیبی، با ترجمه‌ی قرآن توسط ماراتچی (کشیش ایتالیایی) مرحله‌ی دوم شروع می‌شود. این ترجمه سرآغاز ترجمه‌های بعدی قرآن کریم در اروپا شد. ماراتچی در سال ۱۶۹۸ ترجمه‌ای از قرآن را در شهر پادوا^{۱۱} در ایتالیا منتشر کرد. این دوره تقریباً نیمه‌ی قرن ۱۸ ادامه دارد. او که یکی از کشیشان مقرب دربار پاپ اینوسان یازدهم بود، این ترجمه از قرآن را برای ردّ حقایق اسلام تهیه کرد» [فرهنگ خاورشناسان: ۹؛ تمدن اسلام و عرب: ۷۰۶، به نقل از: خاورشناسان و رویکردهای نوین در جمع قرآن: ۵۴ و ۵۵].

«اروپاییان قسمت عمده‌ی دوره‌ی قرون وسطا را به نقل آثار و ترجمه‌ی افکار دانشمندان اسلامی گذراندند و شمار کتاب‌هایی که در این دوره از عربی به لاتینی ترجمه شد، حدود ۳۰۰ جلد بود» [تاریخ تمدن غرب و مبانی آن در شرق، ج ۳: ۲۶۹].

ارتباط دانشمندان غربی با جهان اسلام و قرآن مقارن با جنگ‌های صلیبی در قرون وسطا (۱۰۹۵-۱۲۷۰م) بسیار گسترده شد. با شروع جنگ‌های صلیبی به سرپرستی کلیسا و به بهانه‌ی آزادسازی مدفن عیسی (علیه السلام)، اروپاییان به طور اجباری به شرق روی آوردند و به خزائن پنهانی و اسرار دانش مسلمانان راه یافتند و به پژوهش و جست‌وجو در این منطقه پرداختند. به این دلیل بسیاری از مورخان توسعه‌ی تمدن و فرهنگ در غرب را در نتیجه‌ی جنگ‌های صلیبی می‌دانند. گروهی از این پیش‌تر رفته و معتقدند، یگانه عامل پیشرفت اروپا و نهضت جدید عصر رنسانس، اطلاع و آگاهی غربیان از تمدن اسلامی است که از طریق مطالعه‌ی کتب و آثار تمدن شرقی، در عالم علم و هنر از خود آشکار کردند [تمدن اسلام و عرب: ۴۱۵ و ۴۱۶].

یکی از نویسندگان می‌نویسد: «اروپاییان در آغاز جنگ‌های صلیبی در هر شهری که وارد می‌شدند، کتاب‌خانه‌های آن را آتش می‌زدند و آن را از بین می‌بردند؛ مانند کتاب‌خانه‌ی تونس که به همت خلفای فاطمی تأسیس شده بود و دارای چندین هزار جلد کتاب بود. همین‌طور اسقف «طلیطله»، کتاب‌خانه‌ی غرناطه را که ۸۰۰ هزار جلد کتاب داشت، به آتش کشید. ولی به تدریج با علم و فرهنگ آشنا شدند و به جای سوزاندن کتاب‌ها، آن‌ها را با خود بردند» [فرهنگ خاورشناسان: ۲۳] در آغاز جنگ‌های صلیبی، کتاب‌خانه‌های مهم اسلامی عبارت بودند از:

✓ کتاب‌خانه‌ی بیت‌الحکمه منصور واثقی در بغداد

✓ کتاب‌خانه‌ی آل بویه در کرخ

✓ کتاب‌خانه‌ی دارالحکمه الحاکم بامرالله

- ✓ کتاب‌خانه‌ی خزانه‌الکتب العزیز بالله فاطمی
- ✓ کتاب‌خانه‌ی افرایم بن زمان - حیب مصری
- ✓ کتاب‌خانه‌ی خزائن نوریه در شام
- ✓ کتاب‌خانه‌ی موفق‌الدین المطران در قاهره
- ✓ کتاب‌خانه‌ی اسکندریه در تونس
- ✓ کتاب‌خانه‌ی قرطبه
- ✓ کتاب‌خانه‌ی نیشابور
- ✓ کتاب‌خانه‌ی بخارا

در این زمان بود که دانشمندان غربی به آموزش زبان عربی همت بسیار گماشتند.

نخستین کسی که زودتر از همه به کار ترجمه مبادرت کرد، پاپ سیلوستر دوم بود که در سال‌های ۹۹۹ تا ۱۰۰۳ میلادی این کار را انجام داد. بعد از او هرمان^{۱۱}، متوفی به سال ۱۰۵۴م، زبان عربی آموخت و بالاخره در سال ۱۱۳۰م انجمنی در طلیطله از مترجمان تحت ریاست اسقف‌ها تشکیل شد و به ترجمه‌ی مهم‌ترین کتاب‌های عربی پرداخت [تمدن اسلام و عرب: ۷۰۴ و ۷۰۵]. به هر تقدیر، کار ترجمه با تولید کلیسا و روحانیون انجام می‌شد و به این دلیل، تعصبات دینی در دریافت‌ها و حتی برگرداندن متون تأثیر بسیار داشت. باید توجه داشت که علمای یهود هم از دیرباز در کار استشراف فعال بودند و جمعی از آنان در قرون وسطا در علوم و فنون گوناگون تسلط پیدا کردند و بعد از خروج مسلمانان از آندلس به بسط هنر و علم در آن جا کوشیدند. بعدها هم به موازات مسیحیان به کارهای خاورپژوهی، به خصوص در زمینه‌ی جهان اسلام پرداختند. فقط چون تعداد آن‌ها نسبت به مسیحیان کمتر بود، فعالیت آنان کمتر دیده می‌شد.

از گزارش‌های تاریخی در خصوص مواجهه‌ی غربیان با تمدن اسلامی استنباط می‌شود که به طور اخص در مورد کتاب مقدس مسلمانان یعنی قرآن، خصوصیت ویژه‌ای داشتند و از جنگ‌های صلیبی به این سو، راهبان و اسقف‌ها با هدف خدشه‌دار کردن قرآن و وارد آوردن انواع شبه بر آن، به ترجمه‌ی قرآن می‌پرداختند. اولین بار تمام قرآن به زبان لاتین به کوشش پیر لئونرا بل^{۱۲} (پی‌یر = پطرس المکرم المحترم ۱۰۹۲-۱۱۵۶م)، کشیش کلونی ترجمه شد. او طی مسافرتی که به اسپانیا کرد، با گروهی که زبان لاتینی و عربی می‌دانستند، به این کار دست زد و آن را به سن برنارد تقدیم کرد. این کار چهار سال قبل از جنگ‌های صلیبی بود. پیر خیلی صریح اعلام کرده بود که هدف او تبلیغات بر ضد اسلام بوده است. کار این ترجمه توسط گروهی دیگر از کشیشان به پایان رسید. هدف این ترجمه تبلیغ بر ضد اسلام بود. [در آستانه‌ی قرآن: ۲۹۳].

اروپاییان طی قرون متمادی این ترجمه را مطابق قرآن واقعی می‌دانستند [تاریخ قرآن رامیار: ۶۵۵]. در هر حال، «این ترجمه‌ی قرآن جزو مجموعه‌ی کلیسای کلونی نزدیک به ۴۰۰ سال به دلیل ترس از مطالعه‌ی کشیشان محقق، به صورت مخفی نگه‌داری می‌شد» [خاورشناسی و رودیگردهای نوین جمع قرآن: ۴۵-۵۵]. این مطالب مربوط به قبل از رنسانس است.

مرحله‌ی سوم خاورشناسی

این مرحله به نظر محققین از قرن ۱۸ شروع شده است. «از نیمه‌ی دوم قرن هیجدهم تا پایان جنگ جهانی دوم بود که واژه‌ی شرق‌شناسی^{۱۳} وارد فرهنگ‌ها شد.» [جدیدترین آرای مستشرقان پیرامون قرآن: ۱۶۰]. این دوره پس از رنسانس شروع شد و پژوهش در باب قرآن کریم را با ترجمه‌ی آن به زبان‌های گوناگون اروپایی پی گرفتند. ترجمه‌ی لاتینی کلیسای کلونی، منشأ ایجاد انبوهی از ترجمه‌ها به زبان‌های متفاوت شد که ریشه‌ی این کار ترجمه‌ای از قرآن در سال ۱۵۴۳ توسط تئودور بوخمان سویسی، معروف به بیلاندر^{۱۴} (۱۵۶۴-۱۵۰۴) بود که در شهر بازل منتشر شد. دو تجدید چاپ دیگر آن در زوریخ با مقدمه‌ی مارتولوتر و در سال ۱۷۲۱ در لایپزیک انجام شد. قدیمی‌ترین ترجمه‌ی قرآن به زبان ایتالیایی، اثر آندره آربوآنه^{۱۵}، در سال ۱۵۴۷ منتشر شد. مؤلف ادعا کرد که این ترجمه را از اصل عربی آن ترجمه کرده است. همین ترجمه را شوایگر^{۱۶} تحت عنوان «قرآن‌ترکان» به آلمانی ترجمه کرد و هم‌چنین این ترجمه در سال ۱۶۴۱ در شهر هامبورگ به زبان هلندی برگردانده شد [دایرة‌المعارف فارسی، ج ۲: ۲۵۳۲]. گفتنی است تا اواخر قرن شانزدهم میلادی در کشورهای اروپایی، قرآن به راحتی در اختیار مردم قرار نمی‌گرفت.

«اولین چاپ قرآن در شهر ونیز در سال ۱۵۳۰ به کوشش الکساندر پاگانینی صورت گرفت. ولی پاپ، الکساندر هفتم خشمگین شد و دستور داد همه‌ی نسخه‌های آن را سوزانند» [المستشرقون: ۳۵۷].

«کار ترجمه‌ی قرآن به زبان‌های آلمانی، انگلیسی و فرانسوی را از قرن هفدهم به بعد، چند تن پی‌گیری کردند. در ترجمه‌های اخیر، امانت‌داری بیشتری نسبت به متن قرآن رعایت شده است» [خاورشناسی و رویکردهای نوین جمع قرآن: ۵۵-۵۸].

مرحله‌ی چهارم خاورشناسی

در این برهه از زمان، پژوهش‌هایی در مورد قرآن صورت گرفتند. از جمله «پژوهش‌های خاورپژوهان در ده‌های اخیر، کتاب‌های ارزنده در مورد تاریخ قرآن هستند. از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، کارهای گسترده‌تری در باب تاریخ قرآن صورت گرفتند. قدیمی‌ترین آن‌ها اثر پوتیه^{۱۷} در سال ۱۸۴۰ م است. بعد از او، تئودور نولدکه^{۱۸} در سال ۱۸۶۰ «مبانی رویکردی تاریخ محروانه‌ی تاریخ قرآن» خود را به چاپ رساند که در واقع تکمله‌ی مقاله‌ی مفصل پوتیه درباره‌ی پیدایش قرآن بود. بعد از نولدکه، بلاشر^{۱۹} با همین رویکرد کتابی نوشت.

بعد از جنگ دوم جهانی، با اوج‌گیری فعالیت‌های پوزیتیویستی در دنیای علم و فلسفه، قرآن پژوهی نیز رویکردی پوزیتیویستی و ساختارگرایانه یافت. آثار گلدتسیهر^{۲۰}، عالم مجاری (۱۹۲۰-۱۸۵۰ م)، نمونه‌ی بارزی از این رویکرد است. در آخرین دهه‌ی قرن بیستم، با پیدایش جریان پست‌مدرنیسم در فلسفه و علم، دیدگاه‌های جدیدی در پژوهش‌های قرآنی پیدا شدند و دانشمندانی مانند یونبول^{۲۱} و هارالد موتسکی^{۲۲} تحقیقات خود را به بررسی‌های مجدد در آثار اسلام‌شناسان دوره‌های قبلی اختصاص داده‌اند؛ مخصوصاً تشکیک آن‌ها در مورد تاریخ‌گذاری‌ها در احادیث که دانشمندان و اسلام‌پژوهان قبلی روی آن‌ها تأکید داشتند. مانند گلدتسیهر

و ساخت^{۲۳} که تردید جدی در مورد تاریخ احادیث داشتند و مدت‌ها اسلام‌شناسان غربی را تحت تأثیر نظرات خود قرار داده و آن‌ها را هم معتقد کرده بودند، احادیث مربوط به چگونگی نزول وحی و تدوین قرآن، جعلی هستند.

این نظریه مدتی فروکش کرد؛ اما دوباره در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰، با آثار دانشمندانی به نام جان ونزبرو^{۲۴} شدت گرفت. ونزو در دو کتاب «مطالعات قرآنی» و «محیط فرقه‌ای»، تحولات مربوط به جایگاه تشریحی قرآن را بررسی کرد. به اعتقاد او، کتاب آسمانی اسلام، مانند متون مقدس یهودی و مسیحی، محصول روند طولانی تاریخی است. پس از تدوین فقه در قالب احکام الهی، یعنی در قرن سوم هجری، متن رسمی این کتاب تثبیت یافته است. ونزو معتقد است: این متون مدارکی مرکب و مختلط هستند و در روندی تکاملی و در دراز مدت فراهم شده‌اند. او متن قرآن را اقتباس از ادبیات یهودی و متون توراتی می‌داند. هم‌چنین، تدوین قرآن، تاریخ‌نگاری و تقویم سنتی از شکل‌گیری قرآن را رد می‌کند و تثبیت متن

«کار ترجمه‌ی قرآن به زبان‌های آلمانی، انگلیسی و فرانسوی را از قرن هفدهم به بعد، چند تن پی‌گیری کردند. در ترجمه‌های اخیر، امانت‌داری بیشتری نسبت به متن قرآن رعایت شده است»

قرآن را هم‌گام با شکل‌گیری جامعه می‌داند. به این ترتیب که پایان قرن دوم هجری، یعنی قرن هشتم میلادی، از نظر تاریخی زمان مناسبی بود که آن سنت شفاهی و عناصر دینی گردآوری شود و از این رهگذر، متن مقدس رسمی و فعلی اسلام شکل نهایی گرفت [خاورشناسی و رویکردهای نوین جمع قرآن: ۶۱-۵۹]. و نوزبرو به دفعات متذکر می‌شود: «این دوره‌ی زمانی مصادف است با اوج پیشرفت ادب عربی» [بررسی مسئله‌ی جمع قرآن: ۱۴۶].

آثار ونزو بر بر مطالعات اسلامی بعد از او بسیار تأثیر گذاشت، اگرچه بر کار او نقدهایی را وارد کرده‌اند. از نقادان او ویلیام گراهام، خاورشناس معروف است که عقیده دارد: «باید به نظریه‌ی تاریخ توطئه معتقد باشیم، تا حجم عظیم منابع مکتوب، از جمله کتاب آسمانی را، جعل شده در قرن سوم بدانیم. گراهام بر این باور است که باید نظر ونزبرو را در امتداد سنت دیرینه‌ی شرق‌شناسی دانست که همواره و مصرانه در پی اثبات خاستگاهی یهودی برای صور و مفاهیم اسلامی بوده است» [همان، ص ۱۲۷].

مطالب به این معنی نیست که افرادی چون یونبول و گراهام، کاملاً با نظرات مستشرقین مخالف هستند و دیدگاه‌های مسلمانان را باور دارند، بلکه از تشکیک مطلق درباره‌ی صحت و سقم احادیث انتقاد می‌کنند. «این دو گرچه به ارزش تاریخی اساتید اعتماد ندارند، اما پیدایش این احادیث را به حدود قرن اول هجری می‌رسانند که چند دهه متقدم‌تر از تاریخی است که شناخت برای آن‌ها می‌دانست. هارولد موتسکی، از دیگر

مستشرقینی است که نظرات متقدمین خود را قبول ندارد و روش خاورشناسان قبلی را در حوزه‌ی علوم قرآنی و حدیث، از بنیان نادرست دانسته است. موتسکی چندین مقاله و کتاب در حوزه‌ی قرآن پژوهی و حدیث شناسی نوشته است و در مقاله‌ی جمع و تدوین قرآن کریم، بیش از همه مطالعات قرآن پژوهان پیشین را با استفاده از روش شناسی جدید نقد کرده است [خاورشناسی و رویکردهای نوین جمع قرآن: ۶۱-۶۰].

«در فاصله دهه‌های میانی قرن بیستم، خاورشناسان کارهای تحقیقاتی زیادی در مورد جمع آوری و تصحیح نسخه‌های خطی قرآن، فهرست بندی، تفسیر و مسائل مربوط به تاریخ قرآن، علوم قرآنی، وحی و ارتباط آن با گاهشمار تاریخ اسلام انجام داده‌اند.»^{۲۵}

البته این همه در این جهت است که مکتب جدیدی در خاورشناسی به وجود آمده است که با روش شناسی نو، مطالب قبل را نقد می‌کند. خدا را سپاس که چهره‌ی اسلام روزبه‌روز روشن‌تر می‌شود.

باید توجه داشت که تقسیمات دیگری هم برای مراحل استشرق بیان شده‌اند. گاهی «ریشه‌ی استشرق را قرن ششم پیش از میلاد مسیح دانسته‌اند و اولین مستشرق را هرودت، پدر تاریخ، دانسته‌اند. گروهی دیگر اسکندر مقدونی را که تا پشت دیوار چین پیش آمده بود و جمعی دیگر آغاز اسلام، و آخرین نظریه جنگ‌های صلیبی را، شروع خاورشناسی می‌دانند» [مفهوم شناسی، تاریخچه و دوره‌های استشرق: ۳۷-۳۴].

محورهای فعالیت‌های مستشرقان

خاورشناسان کارهای متفاوتی برای آشنایی بیشتر با فرهنگ مشرق زمین انجام داده‌اند. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

● **ترجمه‌ی کتب اسلامی:** این شیوه که از زمان جنگ‌های صلیبی آغاز شد، بعد از فتح اندلس اسلامی و ورود به کتاب‌خانه‌های بزرگ آن‌جا سرعت گرفت و کتاب‌های ارزشمند مسلمین به اروپا برده و ترجمه شدند و به این ترتیب زمینه‌ی رنسانس علمی اروپا فراهم آمد. این کتاب‌ها در زمینه‌های طب، فلسفه، تاریخ، جغرافی، ادبیات و... بودند.

● **گردآوری نسخه‌های خطی قدیمی و تصحیح آن‌ها:** آنان در نقاط دوردست جهان اسلام به کنکاش و جست‌وجو برای یافتن این نسخه‌ها می‌پرداختند و پس از بررسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به تعلیقه نویسی و انتشار آن‌ها مبادرت می‌کنند (مانند تصحیح المصاحف داود سجستانی).

● **تأسیس دانشکده‌های علوم اسلامی و شرق شناسی:** در این مورد می‌توان به دانشگاه مک‌گیل در کانادا و دانشگاه مونیخ در آلمان اشاره کرد. این کار ادامه‌ی کار شورای مجمع عمومی کشیشان جهان در کلیسای شهر وین در سال ۱۳۱۲، مطابق با سال ۷۱۲ هـ. ق است که اجلاسی را به پیشنهاد روجر بیکن و توصیه‌های اکید پاپ لولوس تشکیل داد و تصویب کرد که زبان‌های شرقی (عربی، عبری، یونانی و سریانی) در دانشگاه‌های مهم آن زمان اروپا (آکسفورد، بلونیا، آوینیون و سالامانکا) و دانشگاه‌های شهر پاپ‌ها تدریس می‌شود. بعدها کار شرق شناسی به صورت کامل تری در دانشگاه‌های غربی دنبال شد

[همان، ص ۴۰]. زیرا محقق و مستشرق موفقی تر است که زبان ملت‌های شرقی را بداند.

● **تحقیق در محتوای قرآن:** خاورشناسان در زمینه‌ی تحقیق در محتوای قرآن که با فعالیت‌های تفسیری و یا موضوعات قرآنی همراه بوده است، بسیار کار کرده‌اند (مانند رودی پارت، خاورشناسی آلمانی که پژوهش‌های فراوانی در موضوعات قرآنی دارد و گروه کثیری از خاورشناسان)

● **مطالعات تطبیقی قرآن و کتاب‌های مقدس (تورات و انجیل).**

● **مطالعه‌ی هرمنوتیک قرآن.**

● **مطالعه‌ی نحوه‌ی ترتیب آیات در سوره‌های قرآن:** به نظر آنان، هم موضوعات در قرآن متفرک و گوناگون هستند و هم روش‌های مختلفی در یک سوره‌ی واحد جمع شده‌اند [نشست قرآن پژوهی در غرب: ۴۴].

بی‌نوشته

۱. کارشناس ارشد، علوم قرآنی

۲. برای اطلاع از حجم تألیفات قرآنی مستشرقین به فهرست کتاب‌های علوم و معارف قرآنی چاپ شده به زبان‌های لاتینی در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۵، از انتشارات مبین، سال ۱۳۸۰ هـ. ش و کتاب‌الاستشرق و المستشرقون، صفحه‌ی ۳۴ مراجعه شود.

۳. نک: دایرة‌المعارف الاسلامیه که در آن مدخل مفصلی از دو تن از مستشرقان به نام‌های ا.ت. ویلش (A.T.Welsh) و ج.د. پیرسون (J.D.person) درج گردیده است. اخیراً این مدخل به‌طور مفصل نقد شده و با عنوان «القرآن الکریم من المنظور الاستشراقی»، به قلم محمد محمد ابولیله، در مصر به سال ۲۰۰۲ به طبع رسیده است.

۴. نک: تفصیل آیات قرآن کریم از ژول لابوم فرانسوی، به اهتمام محمد فواد عبدالباقی و الدراسات القرآنیه، صفحه‌ی ۷۶ تحت عنوان: الفهرسه.

۵. از قدیمی‌ترین اقدامات مستشرقان ترجمه‌ی قرآن به صورت جزئی و کلی بوده است که از قرن دوازدهم به قصد مشوش کردن چهره‌ی اسلام از سوی اربابان کلیسا انجام شده [علی الصغیر: ۶۳ و ۶۴؛ عبدالحمید: ۱۱؛ عسگری، ج ۲: ۷۰۷] و طی قرن‌های گذشته با شتاب زیاد صورت پذیرفته است. تفصیل آن را در: الجندی، صفحه‌ی ۳۴۱ و رادفر، مدخل ترجمه‌ی قرآن به زبان‌های گوناگون، جلد ۱، صفحات ۵۳۸-۵۱۵ و ۵۴۳-۵۴۰ و ۵۷۰-۵۶۳ ببینید.

۶. این دایرة‌المعارف دارای ۵ جلد و ۱۰۰۰ مدخل خواهد بود. تاکنون ۳ جلد آن منتشر شده است. اولین جلد آن در سال ۲۰۰۱ از سوی انتشارات لیدن (هلند) و آخرین آن در سال ۲۰۰۳ چاپ شد. در این ۳ جلد، مدخل A تا O ناگارش یافته است. سرویاستار خانم دمن مک اولیف، استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا است و چهار اسلام شناس و قرآن پژوه او را یاری می‌کنند. برای اطلاعات بیشتر نک: کریمی‌نیا، صفحه‌ی ۳۰ و زمانی، صفحه‌ی ۱۸۷، و نیز مراجعه کنید به فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی پژوهش دینی، شماره‌ی ۹، صفحه‌ی ۴۷.

- | | | |
|------------------------|-----------------|-------------------------|
| 7. juynboll | 8. Motzki | 9. john Thechaleedonian |
| 10. JohnOf Nikiu | 11. Padua | 12. Herman |
| 13. Pierrelevenera Ble | 14. Orientalism | 15. Biliander |
| 16. Arrivaben Andre | 17. Schweigger | 18. Pautier |
| 19. Noleke | 20. Blachere | 21. Goldziher |
| 22. Juonbolle | 23. Motzki | 24. Schacht |
| 25. Wansbrough | | |

۲۶. نک: المستشرقون و الدراسات القرآنیه و المستشرقون.